



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۱۱/۱۴

محمدآصف فقیری

جمهوریت، فراتر از اکثریت و اقلیت!

حاکمیت ملی محصول از کشمکش های سیاسی و نزاع های طبقاتی است که پدیده شناسی آنرا می توان در افکار سازنده انقلاب کبیر فرانسه دید، اقتدار یا قدرت برتر یا حاکمیت از مردم و یا در اراده مردم که انسان مظهر ذات اقدس می باشد، از این مجرا حاکمیت الهی به ارزش بیدون شکل ارزش از مجرای مفوم شناخت، که سنگ بنای لیبرال دموکراسی و روح این آزادی در هنر همزیستی می باشد، است. چون فهم درست از دین در درون مرزهای خرد محض یا امر ارتباط درونی فرد با خودش و خداست، پیکر واحد علم و حکمت به گونه مرزبندی در پسا قرن ۱۷ شد، که به گفته فیلسوف فرانسوی رنه دیکارد به درختی مثال داده شده، که میتافزیک ریشه، فزیک بدنه و اخلاق، طب و میکائیک میوه های درخت است، این درخت جز جوهر عقل منکشف و روح منور انسان نیست، اینکه مقتضای وحی الهی بر حسب سعادت دنیوی و آخروی عقل نیز است و مقتضای عقل، فهمیدن قبل از عقیده کردن، این فهمیدن حاصل فعالیت عقل انسانی بر درک حقیقت است. علی رغم اینکه عدم درک حقیقت، فهم نادرست از دین تا سیاست مدرن را چنان در افغانستان تهدید می کند، و بستر افراطیت را افزایش، که نقض بینادین بشری فقط از بنای حس ولایت گروه حاکم که در واقع در قرون وسطا تکلیف ولایت در تاج گزاری شاهان و قدرت دو قطبی شاه و کلیسا بر انسان بود. در افکار برابری و عدم ولایت که در قرن ۱۷ توسط جان لاک پدر معنوی حقوق بشر معاصر نهادینه و اخلاق جوامع مدرن شد، که هر چند طالبان روایت خود ساخته و در تضاد با ارزش های اسلامی هستند، ولی افکار بدوی جامعه را چنان هدف قرار داده که می توان چنین تعریف داشت: موسس شونندگان توسط عناصر بیرونی در سطح رهبری این گروه و فهم نادرست از دین در سطح پایانی، البته عمده ترین علت سقوط جمهوریت در ادوار تاریخ سیاسی معاصر کشور از شاه مشروطه خواه امان خان تا جمهوری صوری و حکومت مصلحتی پسا ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱ عدم رسالت و تزریق مولفه های و اصول جمهوری در تطبیق با ارزش های حاکم در کشور بوده، زیرا نقطه عطف جمهوری یا فلسفه در حکمت دین اسلام همانا اصلاح غایت فردی که بیدون آزادی درونی یعنی میرا شدن از عالم حیوانی و کارایی یا خادم شدن فرد در جامع بیدون چهارچوب جمهوری که مشروعیت دولتی نیز محسوب می شود، نیست. در نظریه های دولت از مبنای قرارداد اجتماعی یا نظریه ضرورت طبیعی انسان به دولت و یا دولت از مولفه های دینی که عمدا رسالت اخلاقی دولت مردان یا مجریان را دربر می گیرد، در افکار عمومی نهادینه نشده، بل از آزادی بیان تعریف بدور از حقیقت آزادی در افکار توسط متحجران که منافع شخصی شان در تضاد جمهوری بود، القا شد، در طرف دیگر انتخابات در چند پارچگی ملت هر پنج سال چنان به حالت قرمز می بود، که تجزیه مفهومی کشور را مشهود می کرد، که منظور از تحلیل تحت عنوان جمهوریت فراتر از اکثریت و اقلیت در این است، که بدترین حالت از بد بودن حالت کنونی افغانستان، در پسا طالبان است که مولفه و اصول جمهوریت به کرسی افکار عمومی ننشینده، و بجای دموکراسی حقیقی در بنای برابری، آزادی بیان و انتخاب، همچون پسا طالبان ۲۰۰۱ رجوع به تقسیم قدرت بین اقوام شده، و چقدر مصادق عمیق به دکترین آزادی ها چون هانا آرننت دارد: انتخاب در میان بد و بدتر که بد بیدون شک حالت بدتر می آفریند، زیرا در سیاست اشتباه سیاسی مردود است چی رسد که انتخاب بد از بدتر سنجش شود، که مقتضا این امر خواسته اصول جمهوری از نفس و خصایص جامعه باید، که در نهادینه کردن این باید، نهادهای حقوقی منطقه و جامع بین المللی ملت ها، همنوا و همصدای ملت افغانستان بوده و می باشند. در ربط موضوع غزل شماره ۲۱ از دیوان بحر الوجود- باب چپستی انسان را نیز ضمیمه و تقدیم می کنم.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

۲۱- جوهر محض بی تنی انسان!
جوهر خدای تو، گر از خود راهی تو
در آتش دورنت، غیرش سوزانی تو
افضل و آخری، چون عریان زکنزی
تشنگی و هم دریا، آینه خدای تو
زخود چو رهای، همه را زاو بینی
گوهرها در صدف، پنهان پنهانی تو
در خود چو شناختن، بیرونش نرفتن
گر طلسمش بگشودی، کلیدی راهی تو
نه پنهان عریان، بر کام جانان جان
جانان در جانان، یکسان خود کرده تو
در جوهر فقیری، سیر بی تن داری
جاذب و مجذوب، بی تن تو تو

محمدآصف فقیری
پژوهشگر علوم سیاسی و مطالعات فلسفه و عرفانی اسلام

faqiri85@gmail.com

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پاروالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ